

شلیک پلیسی جان کودک را گرفت

زوج سارق که همراه کودک خردسالشان با سرقت یک خودروی پراید در شهرستان آزادشهر تحت تعقیب پلیس قرار گرفته بودند، نمی دانستند که شلیک گلوله ما موران برای متوقف کردن آنها ممکن است به قیمت جان بچه شان تمام شود.

به گزارش خبرنگار ما، عصر روز یک‌شنبه ۲۲مهرماه به مأموران گشت پلیس شهرستان آزادشهر در استان گلستان خبر رسید زوج جوانی که کودکی خردسال همراه داشتند موفق به سرقت یک خودروی پراید در میدان جمهوری شهر شده‌اند. بعد از اعلام گزارش خیلی زود طرح مهار در خیابان‌های شهر به اجرا گذاشته شد تا اینکه مأموران یگان امداد خودروی سرقت‌شده را شناسایی کردند و به راننده فریمان ایست دادند. راننده اما بدون توجه به هشدار پلیس به مسیر خودش ادامه داد و به سمت جاده نفت در خارج از شهر شروع به رانندگی کرد. مأموران پلیس بعد از شلیک چند تیز هوایی به سمت لاستیک خودرو شلیک کردند، اما راننده مسیرش را به سمت زمین‌های کشاورزی تغییر داد و به علت قرار گرفتن در پستی و بلندی زمین گلوله‌ها با عبور از صندوق عقب خودرو به همسر و فرزندخردسال سارق برخورد و هر دو را زخمی کرد. مأموران پلیس همزمان با دستگیری سارق، همسر و فرزند او را به بیمارستان منتقل کردند که کودک خردسال به علت شدت جراحت جانش را از دست داد.

سرنگ اصالتی، فرمانده انتظامی آزادشهر گفت: در بررسی‌های سوابق سارق مشخص شد که او از مجرمان سابقه‌دار است که اعتیاد شدیدی به مصرف مواد مخدر دارد که بعد از تشکیل پرونده به مقام قضایی تحویل داده شد. وی گفت:

تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

تعقیب و گریزهای مرگبار

شلیک‌های گاه و بی‌گاه پلیس که عمدتاً در جریان تعقیب و گریز با مجرمان انجام می‌شود تاکنون تپه‌کمانی را به کام مرگ کشانده‌است. مأموران پلیس در صورتی که با به‌کارگیری قانون استفاده از سلاح با تپه‌کاران برخورد کنند با انتقاد سوی جامعه مواجه می‌شوند که دست از تعقیب مجرمان بر می‌دارند و اگر شلیک گلوله آنها مرگ مجرمان را رقم بزنند به از تکاب قتل متهم می‌شوند. البته مأمورانی که در جریان تعقیب و گریز با مجرمان قرار می‌گیرند باید تجهیزانشان کامل و از مهارت لازم در تیراندازی برخوردار باشند. در مورد مرگ یک کودک با شلیک پلیس هر چند پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار دارد، اما در یک بر ایند کلی زمانی که زن و کودک سارق داخل خودرو بودند و خودرو از شهر خارج شده و به زمین‌های کشاورزی وارد شده‌است، می‌شد به‌گونه‌ای دیگر موانع را برای بازداشت وی فراهم کرد.

براساس حوادث اتفاق افتاده، بسیاری از شلیک‌کنندگان به سوی تپه‌کاران با شکایت بازماندگان قربانیان حادثه بازداشت و محاکمه می‌شوند. مصداق آن، شش مأمور پلیس شهرستان سبزوار هستند که چهارم آبان‌سال ۹۴ در جریان تعقیب یکی از تپه‌کاران فراری که راهی تهران شده بودوی و دو همدستش را به کام مرگ کشاندند. این مأموران با درخواست بازماندگان قربانیان حادثه محاکمه و چند روز قبل هر شش نفر به قصاص محکوم شده‌اند.

قتل پس از تصادف جزئی در بزرگراه

راننده خودروی سواری شورتل پس از تصادف جزئی با خودروی وانت در بزرگراه رسالت، راننده وانت را زیر گرفت و از محل گریخت.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۱:۲۰ روز شنبه ۲۴ شهریورماه اسمال مأموران کلانتری ۱۹۰ مسجدیه با تماس شهروندی از تصادف مرد میانسالی با خودروی سواری شورتل در بزرگراه رسالت ابتدای خیابان کرمان با خبر و راهی محل شدند. مأموران در محل حادثه در یافتند پس از این‌س تصادف راننده شورتل از محل گریخته و مرد زخمی که برای درمان به بیمارستان رسالت منتقل شده‌ است. بدین ترتیب مأموران برای تحقیق بیشتر راهی بیمارستان شدند که تیم پزشکی اعلام کرد مرد ۲۵ساله در اثر تصادف فوت کرده‌است. با اعلام خبر مرگ مرد میانسال پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور قاضی منافی آذر برای تحقیقات فنی وارد عمل شدند.

بررسی‌های مأموران نشان داد مرد فوت شده لحظاتی قبل از حادثه با خودروی سواری شورتل مشکلی رنگی تصادف می‌کند. پس از این تصادف هر دو راننده از خودروی خود بیرون می‌آیند و داخل خیابان با هم مشاجره لفظی می‌کنند که ناگهان راننده خودروی شورتل پشت فرمان می‌نشیند و پس از زیر گرفتن راننده خودروی وانت از محل فرار می‌کند. همچنین مشخص شد خودروی شورتل بدون پلاک بوده‌ است. یکی از شاهدان عینی گفت: دو راننده پس از تصادف با هم مشاجره می‌کردند که راننده شورتل سوار خودرواش شد و شروع به حرکت کرد. او بدون توجه به جلوی خود راننده خودروی وانت را زیر گرفت و به سرعت فرار کرد. بلافاصله به کمک مرد زخمی رفتیم و قصد داشتیم مانع فرار راننده شورتل شویم، اما او سرعتش زیاد بود و ما موفق نشدیم.

پس از این حادثه قاضی منافی آذر به مأموران دستور داد تا پس از تحقیق از شاهدان عینی و خانواده مرد فوت شده دوربین‌های مدار بسته محل حادثه را برای شناسایی متهم فراری بررسی کنند.

فوت کارمند سیرک پس از مصرف الکل

کارمند سیرک کلمبیایی که در برج میلاد برنامه اجرا می‌کرد بر اثر مسمومیت با مشروبات الکلی فوت کرد.

به گزارش خبرنگار ما، صبح دیروز قاضی محسن مدیرروستا باتماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۳۷ انصر از مرگ مشکوک مرد جوان کلمبیایی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان ادارهدهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

بررسی‌های مأموران نشان داد مرد ۴۷ساله کلمبیایی کارمند سیرکی است که در برج میلاد برنامه‌اجرامی‌کنند. معاینات اولیه پزشکی قانونی حکایت از این داشت مرد کلمبیایی بر اثر مسمومیت با مشروبات الکلی به کام مرگ رفته‌ است.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد مرد فوت شده به دستور قاضی مدیرروستا برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.

مرگ دلخراش نوزاد ۹ ماهه

پسر ۹ماهه عراقی که پس از سوختن با آب‌جوش برای درمان به تهران منتقل شده بود، فوت کرد.
به گزارش خبرنگار ما، صبح دیروز مأموران کلانتری ۱۴۵ ونک از مرگ مشکوک پسر ۹ماهه از بیمارستان شهیدمطهری با خبر و راهی محل شدند.

بررسی‌ها حکایت از این داشت پسر ۹ماهه که اهل کشور عراق است چندروز قبل پس از سوختگی شدید با آب‌جوش از کشور عراق برای درمان به تهران منتقل شده‌است، اما در نهایت پس از چند روز بستری فوت می‌کند. پس از تحقیقات تکمیلی جسد نوزاد فوت‌شده به دستور قاضی مدیرروستا، با زیرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران به خانواده‌اش تحویل داده شد.

حواالت

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

انتقام خواستگار از

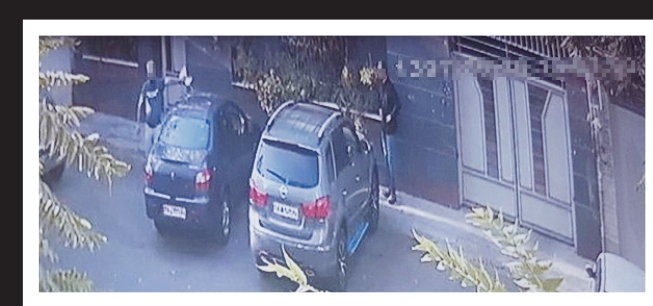
خودروی دختر!

انتقام خواستگار از خودروی دختر!

خواستگار کینه‌جو وقتی از دختر مورد علاقه‌اش جواب منفی شنید خودروی او را به آتش کشید.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۹روز دوشنبه ۲۶شهریورماه مأموران کلانتری ۱۴۰باغ‌فیض و مأموران آتش‌نشانی از حادثه آتش‌سوزی در خیابان چهارباغ غربی با خبر و در محل حاضر شدند. آتش‌نشنان در اولین گام بعد از ایمن کردن محل یک خودروی سواری را که در آتش شعله‌ور بود خاموش کردند. وقتی بررسی‌های کارشناسان آتش‌نشانی نشان داد که حادثه آتش‌سوزی عمدی ایجاد شده‌ است پرونده با طرح شکایت از سوی مالک خودرو که دختری ۲۵ساله‌بود به‌اداره شازدهم شد و پلیس آگاهی تهران فرستاده شد.دختر جوان گفت که با کسی اختلاف ندارد و به هیچ‌کس هم مظنون نیست. کارآگاهان پلیس در جریان تحقیقات میدانی متوجه شدند که یکی از ساختمان‌های نزدیک به محل آتش‌سوزی به دوربین مداربسته مجهز است. آنها بعد از بررسی تصاویر دوربین‌متوجه شدند که حادثه از سوی دو مرد جوان رقم خورده‌است. یکی از دو مرد جوان در حالی که بطری به دست داشت به خودرو نزدیک شد و مایع داخل بطری را روی خودرو ریخته‌ است و بعد از کشیدن کبریت همراه همدستش از محل فرار می‌کند.

شاکای وقتی با تصاویر این دو نفر مواجه شد یکی از آنها را شناسایی کرد. او با تعجب گفت مرد آتش‌افروز کسی نیست جز اسماعیل که از بستگانش است ومدتی قبل از اوخواستگار کرده بود. او گفت: من به درخواست ادواج اسماعیل جواب منفی دادم، اما صاف‌فکر نمی‌کردم که او دست‌به‌این کار بزند.اووقتی از من خواستگاری کرد در باره‌اش تحقیق کردم و متوجه شدم که مردی بداخلاق است برای همین به او جواب در دادم. با اطلاعاتی که شاکای در اختیار کارآگاهان پلیس گذاشت محل زندگی اسماعیل در کرج شناسایی شد و کارآگاهان ۲۲مهرماه با در دست داشتن نیابت قضایی راهی این شهر شدند و اسماعیل را بازداشت کردند. اسماعیل در بازجویی‌ها اما حادثه آتش‌افروزی را انکار کرد، اما وقتی تصاویر دوربین مداربسته را دید به جرمش اعتراف کرد و همدستش سیامک را هم معرفی کرد که او هم بازداشت شد و به همدستی با اسماعیل اعتراف کرد. سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: با کامل شدن تحقیقات پرونده دو متهم با صدور قرار قانونی از سوی بازپرس شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۵ تهران روانه زندان شدند.



ربودن نامزد بدهکار برای زنده کردن طلب

اردشیر و شروین هستند. سپس مأموران اردشیر و شروین را شناسایی و بازداشت کردند.

دو متهم در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کردند.

یکی از متهمان در ادعایی گفت: من و دوستم با شایان اختلاف حساب داشتیم. او قرار بود مدتی قبل بدهی‌اش را به ما پرداخت کند، اما هر روز بهانه‌ای می‌گرفت و پول ما را نمی‌داد تا اینکه من و دوستم تصمیمی گرفتیم نامزد او را گروگان بگیریم تا شایان مجبور شود بدهی‌اش را پرداخت کند. آن روز ما از صبح شایان را تحت نظر گرفتیم و دیدیم او همراه نامزدش به بازار رفت. زمان برگشتن جلوی آنها را گرفتیم و با تهدید قسه نامزدش را ربودیم و به خانه یکی از دوستانمان منتقل کردیم. ما از شاکای عکس تهیه کردیم و برای میناسالی است که مدتی است در کمک ترک اعتیاد بستری است. مرد میانسال پس از دستگیری مدعی شد که خانه در اختیار پسر جوانش است و دو مرد جوان هم که آن روز شاکای را ربوده‌اند دوستان پسرش به نام‌های

آدم‌برما به خانه قدیمی در جنوب تهران منتقل کردند و داخل اتاقی حبس کردند. پس از ۵ساعت حبس مرادداخل خیابان خلوتی رها کردند و از محل گریختند. پس از طرح این شکایت مأموران خانه قدیمی را شناسایی کردند و در یافتند این خانه که

درگیری مرگبار در ایستگاه مترو

رسیدیم و منتظر مسافر بودیم که قاتل یا خودروی وانتش از پارکینگ پدرش بیرون آمد و به مقتول اعتراض کرد که چرا سد معبر می‌کنید. آنها با هم مشاجره لفظی می‌کردند که من پیش آنها رفتم. وقتی درگیری آنها بالا گرفت قاتل از خودرواش قمه بزرگی برداشت و یک ضربه به سینه مقتول و یک ضربه هم به صورت من زد. احمد غرق در خون نقش بر زمین شد و قاتل هم با جا گذاشتن خودرواش از محل گریخت. پس از این مأموران برای دستگیری کامیار به خانه‌شان رفتند که در یافتند قاتل پس از حادثه به کلانتری رفته و برای فریب مأموران اعلام کرده‌ است که ساعتی قبیل خودرواش سرقت شده‌است و پس از آن هم به مکان نامعلومی گریخته‌ است. همزمان با انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی مأموران به دستور قاضی منافی آذر تحقیقات خود را برای دستگیری قاتل فراری آغاز کردند.

روی تخت بیمارستان با جسد پسر ۲۸ساله‌به نام احمد روبه‌رو شدند که با اصابت ضربه قمه به قلیش به کام مرگ رفته بود. همچنین مشخص شد در این حادثه دوست مقتول هم با اصابت قمه به شدت زخمی شده و در بیمارستان بستری و تحت درمان است.

نخستین بررسی‌ها حکایت از این داشت قاتل پسر جوانی به نام کامیار است که با خودروی وانتش هنگام خروج از پارکینگ پدرش در آن محل با مقتول و دوستش درگیر شده و پس از زخمی کردن دو پسر مسافرکش، خودرواش را در آن محل جا گذاشته و گریخته‌ است.

دوست مقتول که زخمی شده بود در توضیح حادثه گفت: من و مقتول هر دو دوست صمیمی هستیم و او با خودروی تیبیا و من هم با خودروی پژو ۴۰۵ خودم در ایستگاه متروی آزادگان مسافر کشی می‌کردیم. دقایقی قبل از حادثه ما به ایستگاه

یادداشت

درباره هوشمندسازی پلیس ایران

چندی است که اینجنا و آنجا به مناسبت‌های مختلف، از هوشمندی و پلیس هوشمند (smart police) سخن گفته می‌شود. این نامگذاری و مفهوم‌سازی نه تنها از سر اتفاق و باری به هر جهت نبوده‌است، بلکه از یک خاستگاه معرفتی و یک ضرورت کاربستی حکایت دارد.

سردار دکتر سعید منتظرالمهدی مشاور فرمانده ناجا

رهنمودهای راهبردی رهبر فرزانه انقلاب در قالب مفاهیمی همچون مجاهد مسئول و یار مهربان، پلیس مقتدر وخدمت‌رسان و نظایر آن و همچنین براساس تحولات زیست اجتماعی و تغییرات روزافزون در ذهنیات و رفتارهای فردی و جمعی شهروندان مفهوم‌سازی و عرضه شده‌ است.

اما از حیث کاربستی شاید نیاز به یادآوری نباشد که در سالیان پیش و آینده مأموریت‌های پلیس مانند دیگر پلیس‌های دنیای مدرن، هم از حیث «چینیستی» و هم از حیث «چگونگی» دستخوش تحولی ژرف و پر شمول خواهد شد. از همین روی در چنین شرایطی طبیعتاً دیگر نمی‌توان با رویکرد و راهبردهای سنتی مأموریت‌های پلیسی را به گونه‌ای هوشمند و اثربخش به سامان رساند.

به همین جهت تاگزیر باید گام در قلمرو و حیطه هوشمندی و حتی فراهوشمندی نهاد و طرح‌ها و تدبیرها را به شیوه‌ای هوشمندانه در انداخت و فراسو نهاد.

وقتی از هوشمندی سخن به میان می‌آید نوع هوشمندی منظور است، مدیریت هوشمند (smart managment) و دیگر مدیر هوشمند (smart manager).

مراد از اولی؛ بهره‌گیری از فرآیندها و سبک‌هایی است که به‌اداره روز آمدی و کارآمدی امروز سازمان یاری می‌رساند و موجب کاهش خطاها و کاستی‌ها می‌شود و بستر انجام سریع و دقیق مأموریت‌ها را مهیا می‌کند، اما وقتی از مدیر یا فرمانده هوشمند سخن می‌گوییم مراد، همان مدیری است که تراز بر خور داری از برخی ویژگی‌های ادراکی، ذهنی، دانشی و فرهنگی‌اش بیش از میلنگین نرمال جامعه باشد.

این روزها وسالها شاهد تغییراتی اساسی در نحوه خدمت‌رسانی به شهروندان عزیزمان هستیم، از ایجاد سامانه‌های هوشمند و استفاده من جمله گذرنامه، گواهیهامه، خدمت‌سربازی و خدمات الکترونیکی و اپتیکی و دوربین‌های کنترل ترافیک و تجمع بانک‌های اطلاعاتی و آگاهی، ان‌شالله به زودی شاهد تحولاتی ژرف و بنیادی در دنیای دیجیتال و خدمات الکترونیکی پلیس به منظور تسریع و تسهیل در ارائه خدمت به مردم عزیزمان خواهیم بود. براین اساس چندین و چند تیم تخصصی درون و بیرون سازمانی و بخش‌های متخلفا از پلیس‌های تخصصی در قالب کار گروه مشترک روی پروژه‌های متعدد در حال بررسی، اقدام و عمل می‌باشند. استفاده از اینترنت اشیا (IOT) در زمینه امنیت و همچنین واقعیت مجازی و واقعیت افزوده در زمینه ارائه خدمت و آموزش و شبیه‌سازی مجموعه‌ها از جمله مواردی است که مطرح نظر این کار گروه ویژه‌است.

ارتباط هدفمندبامرکزپژوهشی کشور اطرح مسائل ومشکلات پلیس برای جامعه نخبگان ودریافت راه حل (start-up weekend) // راهبری وحامیت ازشرکت‌های دانش بنیان (accelerating) و تطبیق توانمندی نخبگان بانیا‌زهای پلیس (mentoring) نیز در دستور کار قرار دارد.

امید است این اقدامات مورد رضایت مرد خوب کشورمان و مرضی حضرت حق قرار گیرد.

قتل برای پایان دادن به رابطه



مردی که متهم است پس از قتل مزاحم همسرش، جسد او را با کمک دو کارگر افغان حوالی تهران دفن کرده بود روز گذشته پشت درهای بسته محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، شهریورسال ۹۵ بود که اعضای خانواده مردی جوان کم‌شمن او را به مأموران پلیس تهران فرستادند. بعد از مطرح شدن شکایت کارآگاهان پلیس آگاهی با بررسی‌های تماس‌های مرد گم شده متوجه شدند او آخرین بار با مردی به نام نادر تماس داشته‌ است. نادر وقتی در این باره تحقیق شد گفت که روز حادثه نامزدش فرستادم اما شایان پولی به ما نداد قرار گذاشته و دیگر از او خبری ندارد. نادر اما در جریان تحقیقات فنی پلیس به قتل اعتراف کرد. او گفت: مدتی قبل بود که به رفتار همسرم مشکوک شدم و او را تحت نظر گرفتیم. وقتی تماس‌های همسرم را بررسی کردم، فهمیدم که با مردی غریبه ارتباط دارد بنابراین تصمیم گرفتیم تا از آن مرد انتقامی سخت بگیرم. روز حادثه مقتول را به محل خلوتی کشاندم و او را به قتل رساندم. بعد با کمک دو کارگر افغان جسدش را در حوالی بزرگراه آزادگان دفن کردم که سرانجام بازداشت شدم.

با مشخصاتی که نادر در اختیار پلیس گذاشت بقایای جسد کشف و به پزشکی قانونی منتقل شد. همچنین دو کارگر افغان که در جریان حمل جسد به نادر کمک کرده بودند بازداشت شدند و به جرمشان اعتراف کردند. با کامل شدن تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه یازده‌دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهم صبح دیروز پشت درهای بسته پسای میز محاکمه ایستاد. بعد از اینکه اولیای دم درخواست قصاص کردند متهم در جایگاه ایستاد و گفت که مقتول را به خاطر اختلاف حساسی که با او داشت در یکی از خیابان‌ها با او قرار گذاشته و دیگر از او خبری ندارد. نادر اما در جریان تحقیقات فنی پلیس به قتل اعتراف کرد. او گفت: مدتی قبل بود که به رفتار همسرم مشکوک شدم و او را تحت نظر گرفتیم. وقتی تماس‌های همسرم را بررسی کردم، فهمیدم که با مردی غریبه ارتباط دارد بنابراین تصمیم گرفتیم تا از آن مرد انتقامی سخت بگیرم. روز حادثه مقتول را به محل خلوتی کشاندم و او را به قتل رساندم. بعد با کمک دو کارگر افغان جسدش را در حوالی بزرگراه آزادگان دفن کردم که سرانجام بازداشت شدم.